

웹툰 mini  
원작 유인

KIDARI STUDIO  
(주) 키다리아엔티

کاری از گروه MUKANKA



# دکتر الیزه

ملکه ای با  
چاقوی جراحی





داغون شديم.





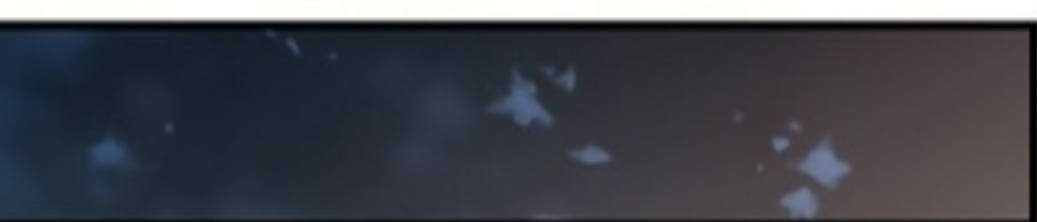
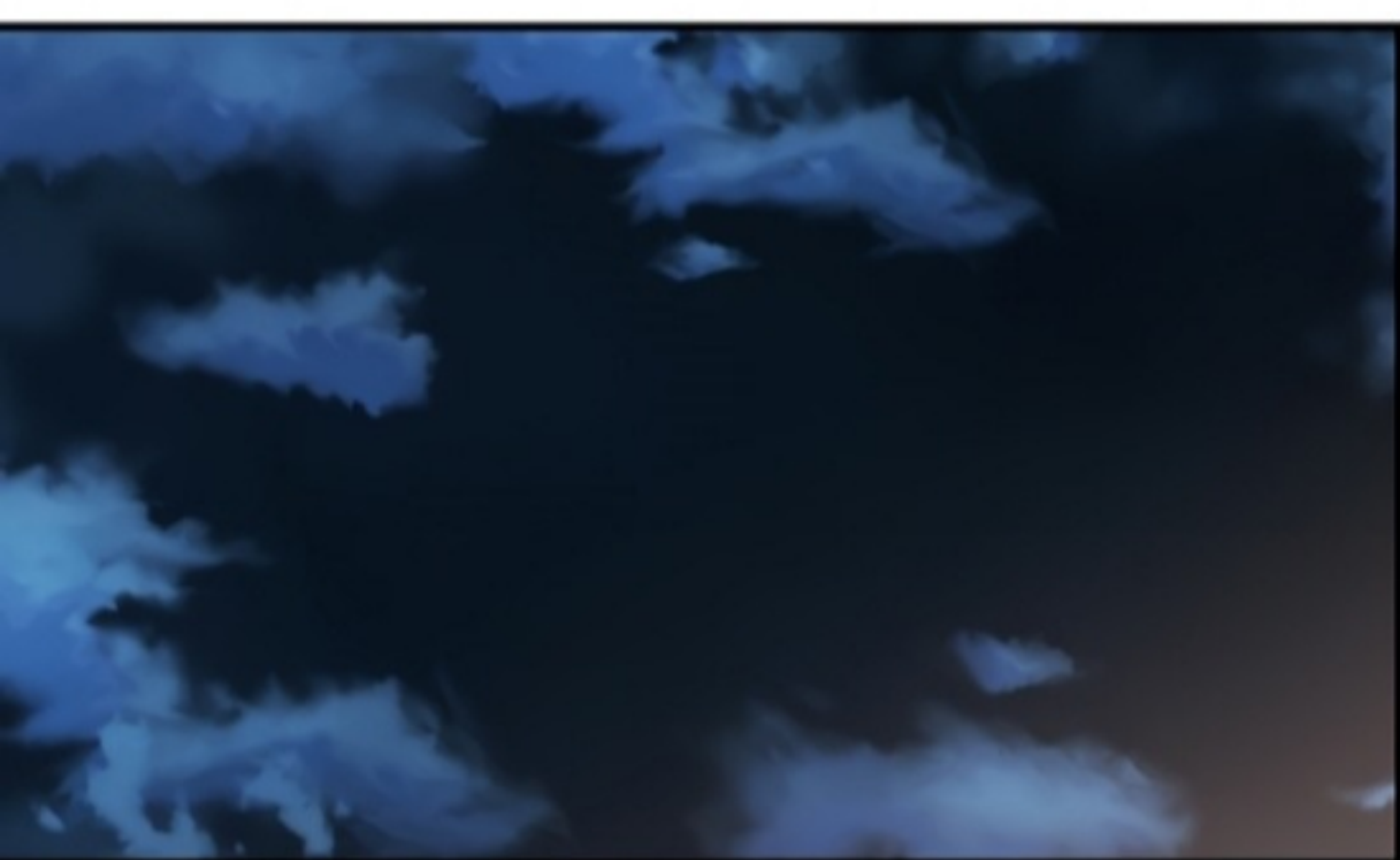
فکر نمی‌کردم همچین  
مهارت یرتاب گوجه  
ای ازتون اونجا  
بینم.

pfft

تنها قانون اینه که  
هرچقدر میگیری  
پس بدی.

tsk







سسرورم

شما خیلی خسته  
اید؟

نه خوبم.

...یه چیز مهم تر.



اون واقعا به من  
اعتماد کرده؟

حتی با اینکه با هم از  
یک اتاق هتل استفاده  
میکنیم، به اندازه دیشب  
دستپاچه نیست.

اگه خسته  
نیستین...میشه با  
هم نوشیدنی  
بنوشیم؟

HEHE



نوشتیدنی...؟

خب... از همینطوری  
خواهیدن احساس بدی  
دارم. میخوام چندتا  
خوراکی خوشمزه هم  
بخورم!

نمیخواهین؟ اگه  
خیلی خسته این  
اشکالی نداره.

disappointed







...یکم بنوشیم.



웹툰 MINI

원작 유인

KIDARI STUDIO  
(주) 키다리 스튜디오

# 외과의사 엘리제

웹툰 mini

원작 유인

제 111 화

와아~!!





اینقدر کیوت  
نباش.

HAA..

الان که فکر میکنم،  
لنی بعد یه لیوان ضربه  
فنی شد.



تو توی نوشیدن  
خوبی؟





البته، ازش  
خوشم میاد!

شگفت زده

واقعا؟

آره. همیشه وقتی بعد  
جراحی کمی نوشیدنی  
میخورم بهترین حس رو  
داره.





چیه؟

فقط خوشحالم.

چرا؟

همینه با شما اینطور  
دارم نوشیدنی  
میخورم.

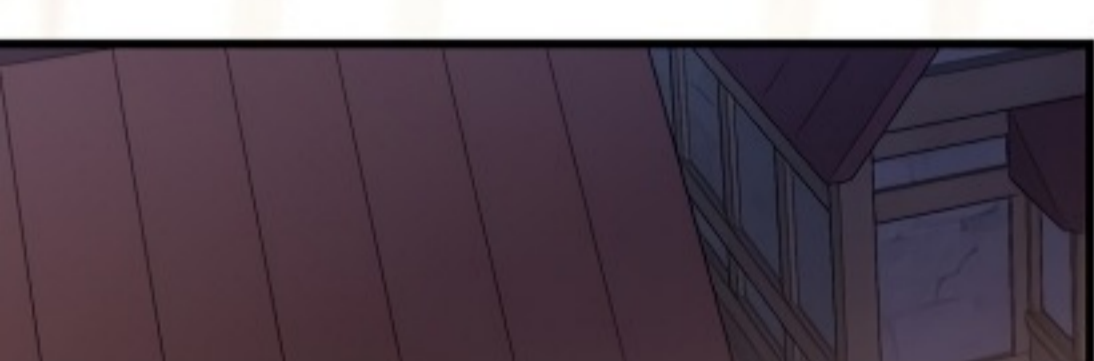
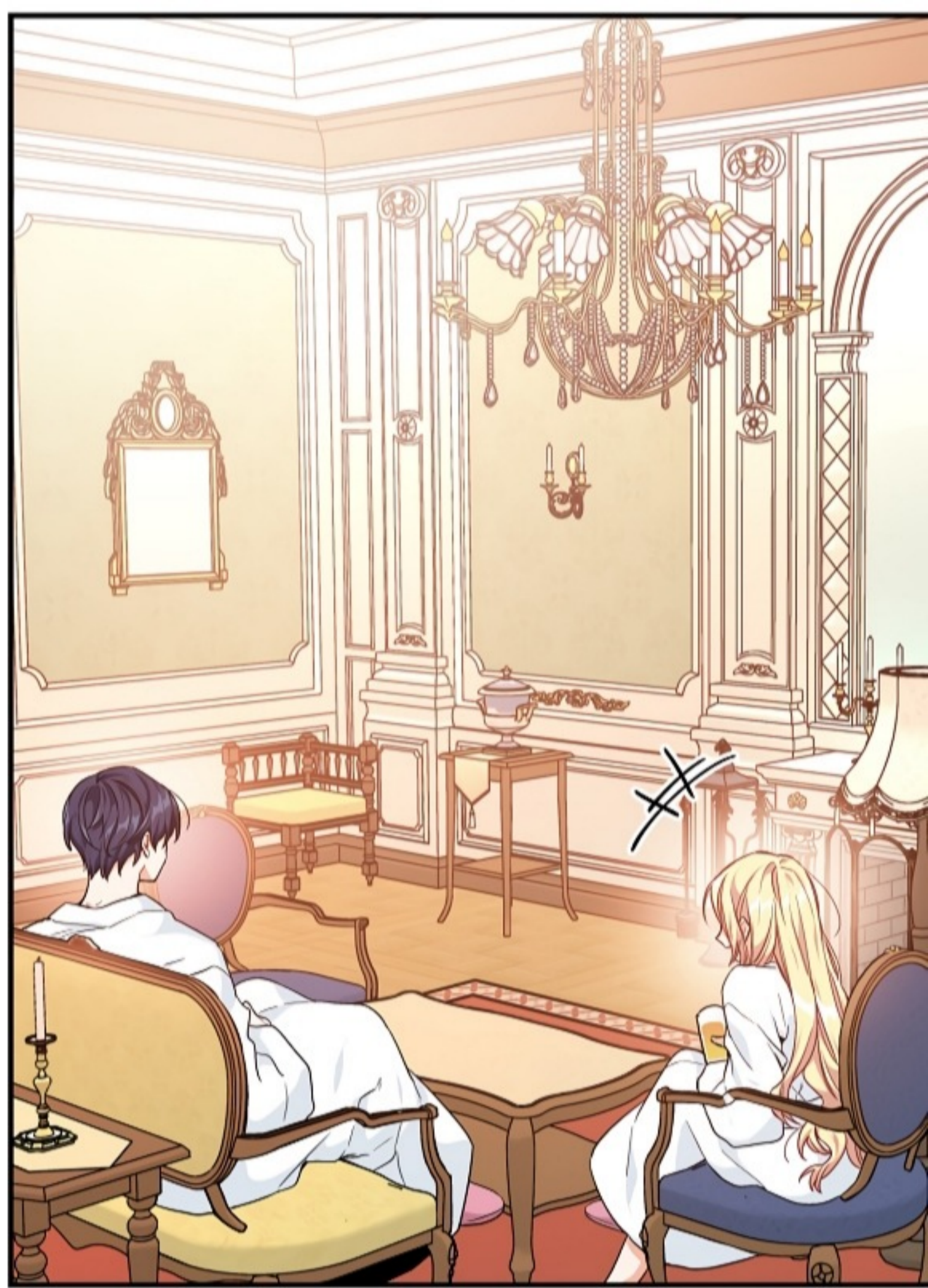




آره

منم همينطور.





HICCUP

عاليہ... جناب.









فقط یکم  
دیگه... میتونم فقط  
یکم دیگه بنوشم؟



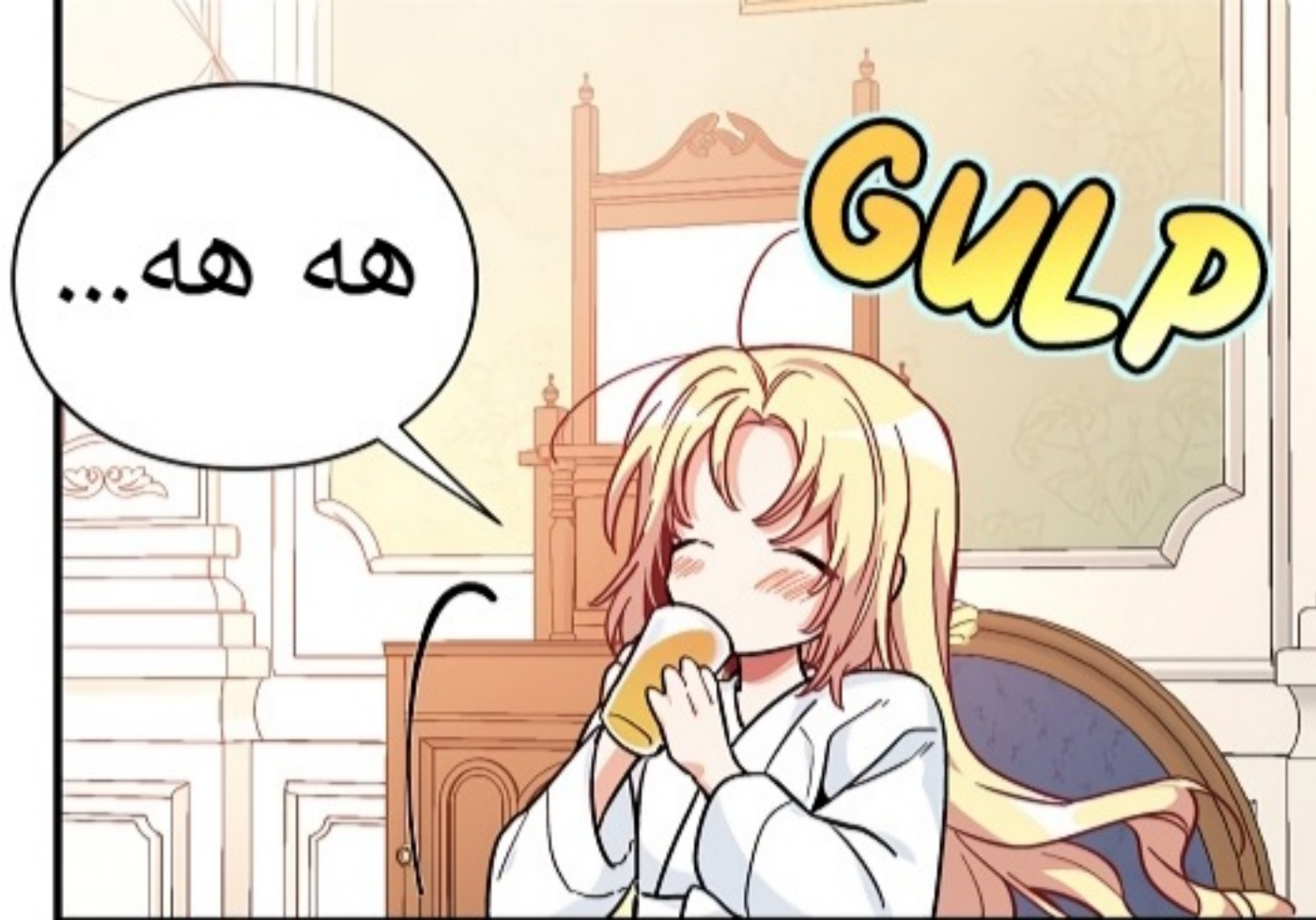
چون امروز  
خیلی خوشحال  
بودم...



HAA

فقط یکی دیگه.  
بیشتر از اون  
نمیتونی.













فقط... فقط یہ لحظہ  
اینطوری بمونم،  
اشکال نداره؟





دیگه نوشیدنی  
نمیخورم... فقط  
میخوام یه کوچولو  
اینطوری بمونم.



...باشه.



عالیجناب...

لیندن.



چی؟

دیگه من رو  
"عالیجناب" صدا  
نکن. صدام کن  
لیندن.

ا- اما...

همین الان صدا  
زدن اسمم رو  
امتحان کن.





...لین... دن.







عالی... منظورم  
لیندن، میخواستم  
یه چیزی بهت  
بگم.

چه چیزی؟



فکر  
میکنی... سرنوشت  
ما اینه که با هم  
باشیم؟






یکم شنیدن کلمه  
سرنوشت از دهن  
الیزه غیرمنتظره است  
چون همیشه منطقی  
بوده.


چرا همچین فکری  
میکنی؟






یادته وقتی تو  
جنگ کریمه تیر  
خورده بودم؟

اون موقع، هیچکس نوع  
خون مشابه من رو  
نداشت، اما درنهایت  
خون تو با من همخوانی  
داشت و من تونستم ازت  
خون بگیرم.



یادمه.

خب من یکم تحقیق کردم  
چطور چنین چیزی ممکنه.  
من خونم رو با خون تو  
مقایسه کردم.



یادت میاد، نه؟ یکم  
ازت خون گرفتم و  
گفتم میخوام  
آزمایش کنم.



اما تحقیق به  
نتایج خیلی جالبی  
منجر شد.

تو کاملاً با من  
تطابق داری.

نه فقط از لحاظ A  
حتی گروه، B O،  
خونیت کاملاً شبیه  
منه.

چی؟ بده که  
شبیهن؟

Typing?

ABO?



نه، اصلاً بد نیست. فقط  
شگفت انگیزه. جوری  
که از این لحاظ هر  
دومون مثل همیم.



چی اینقدر شگفت  
انگیزه؟

PFFT

بیشتر شبیه اینه  
که من و تو  
سرنوشتمون اینه  
که با هم باشیم.

واقعا اینطور فکر  
میکنی؟

البته.

ما رو آسمون ها کنار  
همدیگه آوردن.

نه، حتی آسمون های  
بالا سرمون هم  
نمیتونن ما رو از هم  
جدا کنن.





خنده نخودی





**MM**

**SIJRASKA**